

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و پنجم

پائیز ۱۴۰۲

نقش سنت‌های عاشورایی مردمی

در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی در ایران (۶۵۶-۹۰۷ق)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۳

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۶/۱۲

۱ محمدعلی رحیمی ثابت
۲ محسن الویری
۳ سیدعلیرضا ابطحی

شناسایی سنت‌های عاشورایی در میان مردم عادی و نقش این سنت‌ها در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی در مقاطع مختلف تاریخی دارای اهمیت بسیاری است؛ از همین رو مقاله پیش رو برای پاسخ به این پرسش تدوین شده است که سنت‌های عاشورایی مردمی، در بازه زمانی سقوط خلافت عباسی به دست مغولان (۶۵۶ق) تا روی کار آمدن صفویان (۹۰۷ق) در ایران کدام است؟ و چه نقشی در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی متناسب با تحولات سیاسی و اجتماعی شیعیان در این دوران داشته است؟ مقاله با یاری گرفتن از چارچوب مفهومی آیین در تحلیل گزاره‌های تاریخی مربوط به این

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، (نویسنده مسؤول) (Rahimisabet1358@gmail.com).

۲. استاد مدعو، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد و استاد گروه تاریخ، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم (Alvirim@gmail.com).

۳. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد (abtahi1342@yahoo.com).

موضوع، چهار سنت زیر را در بین توده‌های مردم شناسایی کرده است: رواج نقل مناقب و فضائل اهل بیت، شباهت‌بخشی و هم‌ذات‌پنداری میان اشخاص و رویدادهای روزمره با واقعه عاشورا، آیینی شدن سبک پوشش گروه‌هایی از مردم تحت تأثیر حماسه عاشورا، و زیارت مراقد ائمه اطهار. این چهار سنت در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی در محدوده جغرافیایی، تمدنی و فرهنگی ایران متناسب با تحولات تشیع در این دوران یعنی: گسترش فعالیت سیاسی اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان، میل و گرایش بعضی از حاکمان به تشیع، و نزدیکی تصوف و تشیع نقش داشت.

کلیدواژگان: سنت‌های عاشورایی، فرهنگ عاشورایی، تاریخ اجتماعی، تاریخ

ایران، عصر مغول.

مقدمه

نهضت عاشورا و قیام حضرت امام حسین علیه السلام در محرم سال ۶۱ قمری تأثیر عمیق و به‌سزایی در رشد و شکل دادن به مذهب تشیع در تاریخ اسلام داشته است. پویایی و اثرگذاری مستمر قیام عاشورا و ارزش‌های نهفته در آن در جوامع مختلف اسلامی و به ویژه در جامعه شیعی، موجب شکل‌گیری فرهنگی خاص به نام فرهنگ عاشورایی شد که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، دارای ریشه‌هایی مشترک است. با مطالعه فرهنگ عاشورایی به نظر می‌رسد که منشأ این فرهنگ، سیره اهل بیت علیهم السلام در زنده نگه داشتن قیام عاشورای امام حسین علیه السلام است و با تتبع در منابع روایی می‌توان این سیره اهل بیت علیهم السلام را در این چهار شیوه معرفی نمود:

الف. تبیین جایگاه ویژه امام حسین علیه السلام نزد خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم السلام؛

ب. خطبه‌های بیان شده در تبیین اهداف عاشورا و مظلومیت امام حسین علیه السلام؛

ج. تشویق به بکاء و عزاداری برای آن حضرت؛

د. تشویق و ترغیب شیعیان به زیارت مرقد خامس آل عبا علیهم السلام.^۱

این چهار سیره اصلی نقل شده از اهل بیت علیهم السلام در طی سال‌های متممادی به واسطه عمل و ترویج طبقات نخبگانی جامعه و نیز پذیرش و اهتمام طبقات مختلف مردم عادی، در بستری از آیین‌های عرفی و باستانی منجر به شکل‌گیری فرهنگی عاشورایی شد که در گذر زمان و متناسب با شرایط و اقتضائات اجتماعی و سیاسی هر منطقه، آداب و رسوم و آیین‌های عاشورایی خاص همان منطقه و جامعه را پدید آورد که مجموعه آن‌ها را می‌توان سنت عاشورایی نامید.

بنابراین منظور از سنت در این جا مفهومی فراگیر و دربردارنده تمامی رفتارها و باورهایی است که خود را در انجام اعمال، طرز فکر، هنجارها و تلقیاتی از آن‌ها، نشان می‌دهد. و زمانی که سنت به این مفهوم، به مردم نسبت داده می‌شود، مراد مجموعه اعتقادات، آیین‌ها، آداب و رسوم و اقداماتی است که مردم در پیوند با امام حسین علیه السلام، عاشورا و کربلا اتخاذ کرده و یا انجام داده‌اند. بنابراین واژه عاشورا نیز به مفهومی گسترده‌تر از روز دهم محرم به کار رفته است و به صورت نمادین شامل همه مباحث مربوط به امام حسین علیه السلام، کربلا و قیام سیدالشهدا و یارانش می‌شود.

پرسش مطرح در این پژوهش این است که سنت‌های عاشورایی مردمی در مقطع ۹۰۷-۶۵۶ق در ایران کدام است؟ و این که این سنت‌ها چه نقشی در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی متناسب با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تشیع در این دوران داشته است؟ با بررسی و مطالعه منابع کهن این دوره، با محوریت متون تاریخی، و از برآیند تجمیع مستندات متعدد موجود در این منابع و با کمک گرفتن از چارچوب مفهومی آیین^۲ در مباحث مردم‌شناسی دین، می‌توان بر اساس تحلیلی گونه‌شناختی به چهار سنت:

۱. الویری و رحیمی ثابت، «راز ماندگاری عاشورا تحلیل ارتباطی سیره معصومان علیهم السلام»،

فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۴۱ و ۴۲، ص ۴۹-۸۰.

2. Ritual.

۱. رواج نقل مناقب و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام؛

۲. شباهت‌بخشی و هم‌ذات‌پنداری میان اشخاص و رویدادهای روزمره با رویدادهای

واقعه عاشورا؛

۳. آیینی شدن سبک پوشش گروه‌هایی از مردم تحت تأثیر حماسه عاشورا؛

۴. زیارت مراقد ائمه اطهار علیهم‌السلام؛ در میان توده‌های مردم عادی در این دوران

دست یافت.

با توجه به اکثریت عددی توده‌های مردم نسبت به نخبگان جامعه یعنی حاکمان، عالمان، عارفان و صوفیان و نیز شاعران (که عموماً به دو گروه قبلی تعلق دارند) شاید بتوان گفت که یکی از دلایل عمده ماندگاری سنت‌های عاشورایی در طول تاریخ در جوامع مختلف اسلامی و شیعی، رواج و عمومیت یافتن آن در میان توده‌های مردم است. علاوه بر این، همراهی کردن و پذیرفتن سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی ایجاد شده و ترویج شده از ناحیه نخبگان و یا عدم پذیرش آن‌ها توسط توده‌های مردم عادی، تأثیر زیادی در تحولات فرهنگی و اجتماعی هر دوره و به خصوص مقطع مورد نظر این مقاله دارد.

روش کار و شیوه در نظر گرفته شده برای تحلیل چهار سنت عاشورایی مردمی فوق‌الذکر، استفاده از چارچوب مفهومی آیین است؛ چرا که سنت‌ها و آیین‌ها بخش قابل توجهی از دین را به خود اختصاص می‌دهند و از این جهت آیین‌ها ابزاری برای شکل‌گیری نظام‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. از همین رو، شناخت مقوله آیین و تجزیه و تحلیل آن در جوامع انسانی و فرآیند شکل‌گیری و نحوه عمل آن در میان گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی، پژوهشگران تاریخ اجتماعی را در فهم آیین‌ها و سنت‌هایی که در جوامع مختلف شکل می‌گیرد، رشد پیدا می‌کند و یا ترویج و تبلیغ می‌شود، یاری می‌رساند.^۱ به همین جهت افراد می‌توانند به نحو مؤثری با استفاده از این سنت‌ها و آیین‌ها، فهم دینی خود را به شکل نمادین و پیوسته، ترویج، تأیید و منتقل کنند.

۱. رحمانی، مطالعات جامعه‌شناسی و انسان‌شناختی مناسک عزاداری محرم، ص ۲۱.

سنت‌ها و آیین‌ها در عرصه عقاید و اعمال، کنش‌های انسانی جامعه را سامان می‌دهند و عمیق‌ترین و درونی‌ترین ارزش‌های فرهنگی جامعه را به نمایش می‌گذارند. لذا گروه‌های مختلف اجتماعی از مردم عادی گرفته تا نخبگان، به فراخور قدرت نفوذ و شرایطی که بر آن‌ها حاکم است، سعی می‌کنند آیین‌ها و سنت‌های پذیرفته شده و مد نظر خود را در جامعه اجرا کنند و رواج دهند.^۱

این فرآیند رقابت بین «فرهنگ رسمی»^۲ یا «فرداست»^۳ با «فرهنگ عامه»^۴ یا «فردوست»^۵ که از آن به عنوان «آیینی کردن»^۶ امور تعبیر می‌شود، در نهایت باعث بروز تغییراتی در اجتماع می‌شود که نتیجه آن شکل‌گیری نظام‌های فرهنگی و اجتماعی برآمده از این رقابت است.^۷

به همین لحاظ، برای شناخت و تحلیل سنت‌های عاشورایی در مرحله اول لازم است از چارچوب مفهومی آیین کمک بگیریم چرا که نمایانگر فهم دینی و درونی‌ترین ارزش‌های فرهنگی جامعه، چه در میان مردم و چه در میان نخبگان است. در مرحله دوم می‌توان از تأثیر و تناسب این سنت‌ها و آیین‌های عاشورایی در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی خاص مقطع زمانی ۶۵۶-۹۰۷ ق در محدوده جغرافیایی ایران و مناطق تحت

۱. گیویان، «آیین آیینی‌سازی و فرهنگ عامه پسند دینی (تأملی در برخی بازنمایی‌های بصری دینی و شیوه‌های جدید مداحی)»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵، ص ۱۷۷.

2. Formal Culture.

3. High Culture.

4. Popular Culture.

5. Low Culture.

6. Ritualization.

۷. همان، ص ۱۸۷.

نفوذ فرهنگی و تمدنی آن یعنی ماوراءالنهر، هند، عراق و آناتولی و نیز از رشد و گسترش تشیع سخن گفت؛ که البته شکل‌گیری این سنت‌ها هم‌دوران بود با تحولاتی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مثل گسترش فعالیت سیاسی اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان؛ میل و گرایش بعضی از حاکمان به تشیع و نزدیکی تصوف و تشیع.

موضوع سنت‌های اجتماعی ایرانیان در پیشینه تاریخی بارها مورد توجه محققان قرار گرفته است. برای نمونه مقاله «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در نیمه دوم قرن هشتم هجری» تألیف محمد انور فیاضی، مقاله «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در نیمه اول قرن هشتم هجری» تألیف مجید رباط جزئی، مقاله «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری» تألیف سیدعلی حسین پور، همچنین کتاب زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه (۹۰۷-۶۵۶ق) تألیف محسن الویری و کتاب ایرانیان و عزاداری عاشورا (مراسم سوگواری در گذر تاریخ) تألیف اصغر فروغی ابری، چنین مقوله‌ای را مورد کاوش قرار داده‌اند. اما به نظر می‌رسد بررسی سنت‌های عاشورایی مردمی از این منظر و با این چارچوب مفهومی مسبوق به سابقه نباشد چرا که اغلب این پژوهش‌ها به صورت کلی به شناسایی و معرفی آداب و رسوم و سنت‌های شیعیان در قالب تاریخ اجتماعی پرداخته‌اند و به طور خاص به سنت‌های عاشورایی و تحلیل آن در یک چارچوب مفهومی خاص نپرداخته‌اند.

سنت‌های عاشورایی مردمی (۹۰۷-۶۵۶ق)

رواج نقل مناقب و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام

از دیرباز در گوشه و کنار سرزمین بزرگ و کهن ایران همچون سرزمین‌های دیگر، آیین‌هایی در بزرگداشت بزرگان، پهلوانان و قهرمانان برگزار می‌شده است به صورتی که بعضی از این آیین‌ها تبدیل به اسطوره‌ها و افسانه‌هایی گشته که تأثیر آن حتی تا به امروز در فرهنگ و آیین‌های مردمان این سرزمین وجود دارد. یکی از معروف‌ترین آیین‌ها، آیین سیاوشان یا سوگ سیاوش است که از جمله سنت‌های عزاداری در ایران باستان

است و تا قرن‌ها مورد توجه بوده است. در تاریخ بخارا آمده است: «اهل بخارا را بر کشتن سیاوش سرودهای عجیب است و مطربان، آن سرودها را کین سیاوش گویند».^۱ «مردمان بخارا را در کشتن سیاوش نوحه‌هاست، چنان که در همه ولایت‌ها معروف است و مطربان آن را سرود ساخته‌اند و می‌گیرند و قوالان آن را گریستن مغان خوانند و این سخن زیادت از ۳۰۰۰ سال است».^۲

در شاهنامه حکیم فردوسی (م ۴۱۶ق) هم آیین‌های زیادی در سوگ بزرگان و شاهزادگان و پهلوانان از جمله سیاوش آمده است.^۳

آیین عرفی بزرگداشت و نقل سرگذشت افراد محبوب و مورد علاقه مردم، به ویژه اگر صبغه مذهبی داشته باشد، پس از ورود اسلام به ایران نیز ادامه یافت و در بین شیعیان، تحت تأثیر سیره اهل بیت علیهم‌السلام در ماندگار کردن قیام عاشورا و در نتیجه شکل گرفتن فرهنگ عاشورایی به نحو مؤثری استمرار یافت. به طوری که:

هم در جامعه شیعه و هم در جامعه سنی ایران در گذشته افرادی بودند که در بازارها و مساجد و اماکن عمومی مناقب آل محمد علیهم‌السلام یا فضائل روایت شده برای خلفای نخستین را می‌خواندند و نقش رسانه‌های جمعی عصر ما را به گونه‌ای ایفا می‌کردند. این مناقب و فضائل خوانی، هم شامل خواندن اشعار بود و هم شامل نقل قصه‌ها و مقتل و مشابه آن. خوانندگان اشعار و مطالب در مدح آل محمد علیهم‌السلام را «مناقب‌خوان» و از آن خلفای نخستین را «فضائل‌خوان» می‌خواندند.^۴

۱. نرشخی، تاریخ بخارا، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. سرامی، از رنگ گل تا رنج خار، ص ۲۸۸-۲۹۰.

۴. محلاتی، تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی جُنگ عبدالکریم مداح، ص ۱۳.

شاید یکی از بهترین شواهد بر رواج آیین و سنت منقبت‌خوانی برای اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام وجود جُنْگ^۱ به نام «عبدالکریم مداح» باشد که آن را در سال ۸۴۹ قمری تحریر کرده است.^۲ وجود چنین جنگی و نیز شهرت مؤلف آن به مداح، نشان می‌دهد که خواندن این اشعار عمومیت داشته و آیین‌ها و سنت‌های عاشورایی در این مقطع در میان شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام گسترش یافته است.

شاهد دیگر بر گستردگی این سنت، رواج برگزاری مجالس تعزیت و نقل مناقب اهل بیت علیهم‌السلام به خصوص مجالس سوگواری امام حسین علیه‌السلام نه تنها در میان شیعیان بلکه در میان سنیان در این مقطع است. از گزارش‌های منابع مختلف برمی‌آید که:

در آستانه تشکیل دولت صفوی، بسیاری از مردم هرات، شیعه دوازده امامی بودند؛ سایرین نیز سنیان دوازده امامی بودند که در عین علاقه به دوازده امام، از رفض و انکار و سب صحابه متنفر بودند. این قبیل سنیان، هم مقتل خوانی می‌کردند و هم در کتاب‌هایشان از فضائل دوازده امام و ولایت آنان سخن می‌گفتند... این وضعیت به طور عموم در خراسان حاکم بود و هرات که مرکز بود، در این جهت، وضعیت روشن‌تری داشت.^۳

۱. جُنْگ در اصطلاح به دفتری می‌گویند که در آن اشعار و مطالب دیگر نویسند؛ کتابی که در آن برخی اشعار شعرای مختلف بی‌نظم و ترتیب گرد شده باشد؛ این کلمه هندی است و همان است که ابن بطوطه جُنْغ می‌گوید. در ایران دیوان غزل یک شاعر را سفینه می‌گفته‌اند سپس جُنْگ هندی را که نیز به معنی سفینه است برای دیوان اشعار گزیده چندین شاعر به کار برده‌اند (دهخدا، لغتنامه، ج ۷، ص ۱۹۵۹).

۲. محلاتی، تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی جُنْگ عبدالکریم مداح، ص ۱۴-۱۶.

۳. جعفریان، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۴۶.

تلاش شیعیان هرات برای این که «خطبه را بر منابر اسلام به نام دوازده امام موشح سازند و اسامی گرامی خلفای راشدین را به کلی براندازند»^۱ در زمان سلطان حسین بایقرا (حک: ۸۷۳-۹۱۱ق) با توجه به میل و گرایش او به تشیع می‌تواند تأییدکننده این مدعا باشد. وجود و گستردگی سنت منقبت‌خوانی اهل بیت علیهم‌السلام، نشانگر عواطف دینی رایج در میان مردمان آن روزگار است که البته می‌تواند نشانه وجود چنین تفکری در میان نخبگان به خصوص علما و عرفا نیز باشد که به تبلیغ و ترویج این سنت در بین عوام اقدام می‌کردند. شاهد بر این مدعا را می‌توان در رونق داشتن تألیف کتب مناقب و فضائل در این مقطع تاریخی در میان علمای شیعه و سنی یافت.^۲ این اهتمام، نشانگر تلاش طبقه نخبه یا فرهنگ فرادست برای ترویج و تبلیغ سنت‌ها و آیین‌های مدنظر خودش در بین مردم عادی یا فرودست است که البته همراهی و پذیرش مردم عادی از شیعه و سنی را در این مقطع تاریخی به همراه دارد و حتی گاهی با حمایت نخبگان حاکم نیز همراه است.^۳

شباهت بخشی و هم‌ذات‌پنداری میان اشخاص و رویدادهای روزمره با رویدادهای

واقعۀ عاشورا

هم‌ذات‌پنداری یا این‌همانی در اصطلاح فرآیندی است که در طی آن، افراد تلاش می‌کنند تا اشیاء یا رویدادهای درون محیط را با خواسته‌ها یا آرزوهای خود مطابقت دهند. به عبارت دیگر تمایل به افزایش دادن احساس ارزشمند بودن از طریق متصل کردن خود به یک شخص، گروه، یا سازمانی که مهم به حساب می‌آیند هم‌ذات‌پنداری نامیده می‌شود.^۴

۱. سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج ۴، ص ۱۰۲۲.

۲. رک: جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۲۴-۳۱.

۳. رک: شبانکاره‌ای، مجمع‌الأنساب، ج ۲، ص ۲۷۲.

۴. گنجی، نظریه‌های شخصیت، ص ۷۷.

از جمله آیین‌هایی که از گذشته در میان مردمان وجود داشته، ارتباط بخشی یا هم‌ذات‌پنداری میان اشخاص دخیل در رخداد‌های روزمره و یا وقایع مهم معاصر با حوادث و رویدادهای با اهمیتی است که در گذشته توسط اشخاص نام‌آور مذهبی، ملی و یا اسطوره‌ای رقم خورده است.

بنابراین طبیعی است که اشخاص دخیل در یک حادثه در زندگی معاصر شیعیان با حوادث و وقایع شکل گرفته در گذشته توسط شخصیت‌های مثبت و مورد علاقه مانند امام حسین علیه السلام و سایر ائمه اطهار و یا بسته به نوع واقعه با شخصیت‌های منفی و مورد تنفر شیعیان مانند یزید و معاویه سنجیده شوند. این هم‌ذات‌پنداری در فرهنگ مردمی این مقطع وجود داشت و به نوعی تقویت کننده آیین‌ها و سنت‌های عاشورایی در دوره‌های مختلف در میان شیعیان بود. در منابع نمونه‌های زیادی از این مقوله وجود دارد، مانند تشبیه کشته شدن سلطان حیدر صفوی (م ۸۹۳ق) به شهادت امام حسین علیه السلام به دست یزیدیان:

به آخر ز ناسازی روزگار	شد از هر دو لشکر تلف سی هزار
ز بیدادی چرخ بیداد جوی	ز شاه جهان بخت برتافت روی
حسینی گرفتار آل یزید	ز روی جفا و ستم شد شهید ^۱

نمونه جالب دیگر از ارتباط بخشی میان حوادث جاری با واقعه عاشورا، گزارش کتاب جامع مفیدی درباره اختلاف امیر فیروزشاه با شاه خلیل الله - از بزرگان مورد احترام شاهرخ تیموری (حک: ۸۱۱-۸۵۰ق) - است که شاه خلیل الله این منازعت را به مبارزه بین حق و باطل - جدش امام حسین علیه السلام و یزید - تعمیم می‌دهد و مورد توجه و تأیید شاهرخ قرار می‌گیرد.^۲

۱. حسینی گنابادی، شاه اسماعیل نامه، ص ۱۸۰.

۲. مستوفی بافقی، جامع مفیدی، ج ۳، ص ۴۴.

آیینی شدن سبک پوشش گروه‌هایی از مردم تحت تأثیر حماسه عاشورا

واقعه عاشورا و حوادث جانگداز آن سرآغاز تغییر و تحولات سیاسی، فکری و فرهنگی در میان طرفداران اهل بیت علیهم‌السلام بود که به تدریج آثار آن در فرهنگ شیعیان نمودار گشت. این امر که البته مرهون سنت و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام در زنده نگه داشتن قیام عاشورا است، در بستر فرهنگ و آیین‌های متعلق به اقوام مختلفی که در مقاطع زمانی متفاوت به جرگه شیعیان درمی‌آمدند، ریشه دواند.

از جمله این آیین‌ها تغییر در سبک پوشش و رنگ لباس گروه‌های مختلف مردم است؛ مانند سیاه‌پوشی در سوگ امام حسین علیه‌السلام و یارانش در سال‌گشت شهادت آنان و تسری یافتن آن به سایر ایام سال و تبدیل شدن به نوعی نماد و آیین نزد بعضی از مردمان. در لابه‌لای متون تاریخی مقطع مورد نظر این پژوهش می‌توان گزارش‌هایی در این باره یافت، مانند رسم سیاه‌پوشی دائمی در میان اقطاب و عامه صوفیان نوربخشیه به علامت تعزیت شهدای کربلا:

شیخ شمس الدین محمد شیرازی ابن یحیی ابن علی لاهجی گیلانی
نوربخشی... افضل و اکمل خلفای سید محمد نوربخش است... وقتی شاهنشاه
زمان، شاه اسماعیل صفوی طاب ثراه در شیراز از آن جناب پرسید چرا لباس
دائمی خود را سیاه و پیروانت را به سیاه‌پوشی داشته‌ای، در جواب گفت برای
مصیبت جناب سیدالشهدا امام مظلوم حسین. پس شاهنشاه فرمود در ایام عاشورا
کفایت است. در جواب گفت: در تمام عمر هم کم است.^۱

سنت سیاه‌پوشی و عزاداری توده‌های مردمی محب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک آیین رایج در این مقطع، عمیق‌ترین و درونی‌ترین ارزش‌های فرهنگی جامعه آن روزگار را به نمایش می‌گذارد. در منابع مختلف به این آیین اشاره شده است.^۲

۱. حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۱۱۹۵.

۲. رک: شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۳۳؛ حسینی گنابادی، شاه اسماعیل نامه، ص ۳۵؛ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۵۸.

زیارت مرقد ائمه اطهار علیهم‌السلام

سنت زیارت رفتن و خواندن زیارات و ادعیه در مرقد ائمه اطهار علیهم‌السلام به خصوص حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، از سیره و سنت‌هایی است که اهل بیت علیهم‌السلام تأکید زیادی بر آن داشته‌اند و از جمله آیین‌های عاشورایی مهمی است که اختصاص به طبقه خاصی ندارد و از نخبگان حاکم گرفته تا علما و عرفا و تا توده‌های مردم عادی به انجام آن مبادرت می‌ورزیدند. البته نقش علما در پررنگ شدن این آیین و سنت از طریق تألیف کتب در فضیلت زیارت^۱ و عمل به آن، بسیار مهم و اثرگذار بوده است.

گزارش جهانگرد معروف این دوران یعنی ابن بطوطه (م ۷۷۹ق) در سال ۷۲۷ قمری از عتبات، حاکی از رونق داشتن سنت زیارت در این مقطع است. گزارشی که او از سنت زیارت مرقد امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در شب مبعث توسط گروه‌های زیادی از مردم که از عراق عجم و عرب، خراسان، فارس و روم خود را به نجف رسانند^۲ و یا خبری که از زیارت و اطعام زوآر در کربلا می‌دهد تأیید کننده این مطلب است:

روضه مقدسه امام حسین علیه‌السلام در داخل شهر واقع شده و مدرسه‌های بزرگ و زاویه‌ای دارد که در آن برای مسافرین طعام می‌دهند. خدام و حاجبان بر در روضه امام ایستاده‌اند. ورود به حرم بی‌اجازه آنان میسر نیست و هنگام ورود عتبه شریفه را که از نقره است باید بوسید. روی ضریح مقدس امام قندیل‌های زرین و سیمین گذاشته شده و از درهای آن پرده‌های حریر آویخته‌اند.^۳

۱. رک: ابن قولویه قمی، کامل الزیارات؛ ابن طاووس، فلاح السائل و نجاح المسائل؛ همو، الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان؛ شهید اول، المزار فی کیفیت زیارات النبی و الأئمة علیهم‌السلام؛ و نیز کفعمی عاملی، المصباح.

۲. ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۴۲۲.

۳. ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه، ج ۲، ص ۵۷.

سنت زیارت مراقد ائمه اطهار علیهم السلام از جمله سنت‌ها و آیین‌هایی است که آیینی شدن آن از سوی فرهنگ فرادست یا فرهنگ رسمی - نخبگان حاکم، عالم، عارف و شاعر - تبلیغ و ترویج شده و مورد پذیرش و استقبال فرهنگ فرودست یا فرهنگ عامه قرار گرفته است.^۱ منتهی فرهنگ عامه در مواجهه با برخی از آدابی که نخبگان برای زیارت مراقد ائمه اطهار به توده مردم معرفی کرده و رواج داده‌اند، مطابق فهم و میل خود دست به تغییر شکل و محتوا زده است؛ مانند قرار گرفتن خدام و حاجبان در درگاه ورودی حرم یا بوسیدن عتبه شریفه هنگام ورود و یا سوزاندن عود.

نقش سنت‌های عاشورایی مردمی در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی در این مقطع

بررسی گزارش‌های تاریخی و شناخت سنت‌های عاشورایی رایج در میان توده‌های مردم - که بر اساس تحلیلی گونه‌شناختی با کمک چارچوب مفهومی آیین‌شناسایی شده است - اقبال عمومی و رواج نسبتاً گسترده فرهنگ عاشورایی را در مقطع تاریخی برافتادن عباسیان تا برآمدن صفویان (۶۵۶-۹۰۷ق) در حوزه تمدنی و فرهنگی ایران نشان می‌دهد؛ چرا که علاوه بر تأثیر ذاتی این سنت‌ها در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی خاص این مقطع - که ریشه در گذشته تاریخی و سیره اهل بیت علیهم السلام در این زمینه دارد - می‌توان تناسب و همزمانی آن را با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوران دید.

تحولاتی همچون گسترش فعالیت سیاسی اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان؛ میل و گرایش بعضی از حاکمان این مقطع به تشیع و در نهایت نزدیکی تصوف و تشیع به هم که در مجموع موجب تقویت رشد و گسترش تشیع در ایران گردید.

۱. رک: نطنزی، منتخب التواریخ معینی، ص ۱۲۳؛ حسینی تربتی، تزوکات، ص ۳۵۹؛ ابن طاووس،

اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۱؛ خنجی، تاریخ عالم آرای امینی، ص ۱۰۰.

گسترش فعالیت‌های سیاسی اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان که زمینه آن قبل از سقوط بغداد در اثر نفوذ شیعیان در دستگاه خلافت عباسیان فراهم شده بود، در پرتو سیاست تسامح مذهبی مغولان شدت بیشتری یافت و شیعیان توانستند آزادانه به تبلیغ اندیشه‌های خود بپردازند. حضور ابن علقمی (م ۶۵۶ق) و خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ق) از نخستین نشانه‌های بهبود وضعیت شیعیان و آزادی عمل آنان در عرصه اظهار باورهای مذهبی است.^۱

حمایت علاءالدین عطاملک بن محمد جوینی (م ۶۸۱ق) در عهد هولاکو از شیعیان،^۲ اقدامات غازان (حک: ۶۹۴-۷۰۳ق) به سود ایشان مانند عمران و آبادانی عتبات عالیات و ساختن دارالسیاده،^۳ دعوت سلطان محمد خدابنده (حک: ۷۰۳-۷۱۶ق) از علمای شیعه مانند علامه حلّی (م ۷۲۶ق) و پسرش فخرالمحققین (م ۷۷۱ق) به دربار خود و فعالیت‌های علمی و آموزشی آنان،^۴ برپایی بدون مزاحمت شعائر شیعی مثل برگزاری مجالس نقل مناقب و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام و سوگواری برای حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و بستن بازارها به همین مناسبت و توجه ویژه به سادات و شیعیان در زمان اقتدار سلطان ابوسعید ایلخانی^۵ (حک: ۷۱۶-۷۳۶ق) نشانگر گسترش فعالیت سیاسی و اجتماعی شیعیان متناسب

۱. الویری، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه (۹۰۷-۶۵۶ق)، ص ۳۲۶.

۲. الویری، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه (۹۰۷-۶۵۶ق)، ص ۳۲۶-۳۲۷.

۳. فضل الله همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۴. مرتضوی، مسائل عصر ایلخانان، ص ۲۴۹-۲۵۰.

۵. الویری، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه (۹۰۷-۶۵۶ق)، ص ۳۴۲-۳۴۴.

با سنت عاشورایی مردمی نقل مناقب و فضائل ائمه اطهار علیهم السلام در مجالس و رواج آن در بین عوام و خواص در این دوران است.

میل و گرایش بعضی از حاکمان این مقطع به تشیع، نتیجه برقراری ارتباط بعضی از شیعیان به ویژه علما با طبقه نخبه حاکم است زیرا شیعیان در مسیر عمومی سازی فرهنگ خود، در عین حفظ اصول و اعتقادات خود و با در پیش گرفتن نگرشی واقع بینانه، ارتباطی مسالمت جویانه و دوستانه با اهل تسنن برقرار ساختند به طوری که موجب نزدیکی هر چه بیشتر حاکمان، شاعران و دانشمندان اهل سنت به تشیع بر مدار محبت اهل بیت علیهم السلام شد.^۱ شاید نتیجه این تغییر نگرش اهل سنت به شیعیان، به وجود آمدن «سنیان دوازده امامی» باشد که نوعی خاص از تسنن است که با تشیع امامی جمع شده است. این نوع از تسنن در ایران چنان رشد یافت که بی تردید زمینه اصلی پیدایش دولت صفویه را فراهم ساخت.^۲

تشیع بعضی از حاکمان ایلخانی مانند غازان خان^۳ و سلطان محمد خدابنده^۴ و جانشینان آنان^۵ یا گرایش ادعایی و یا واقعی به این مذهب توسط جانشینان تیمور^۶ و حتی ادعای خون خواهی و انتقام از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام^۷ می تواند متناسب

۱. همان، ص ۳۵۸.

۲. جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۸۴۳.

۳. شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۵۴.

۴. شبانکاره ای، مجمع الأنساب، ج ۲، ص ۲۷۲.

۵. الویری، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه (۹۰۷-۹۰۷ ق)، ص ۳۴۲.

۶. سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج ۴، ص ۱۰۲۲.

۷. نطنزی، منتخب التواریخ معینی، ص ۱۲۳.

با سنت عاشورایی مردمی شباهت‌بخشی و هم‌ذات‌پنداری میان اشخاص و رویدادهای روزمره با رویدادهای واقعه عاشورا باشد. بسیاری از حاکمانی که نام برده شدند همانند توده مردم، در حوادث و وقایع روزمره، خود را در جایگاه حق (یعنی امام حسین علیه السلام) و اصحابش) و از طرفداران حق تصور می‌کردند و دشمنان خود را در جایگاه باطل (همچون یزید و پیروانش) قرار می‌دادند. شاید جنگیدن تیمور (حک: ۷۷۱-۸۰۷ق) - که مدعی ارادت به «آل پیغمبر» و «ذریه آل پیغمبر» بود^۱ - با شامیان به بهانه طلب خون امام حسین علیه السلام از همین باب باشد:

رومیان، شهید^۲ را در زمان تیمور به شرف شهادت مشرف ساختند و حق سبحانه و تعالی نگذاشت که خون شهید بخوابد. تیمور را برایشان مسلط کرد به اندک زمانی تا زیاده از صد هزار کس ایشان را به درک اسفل رسانید. اگر چه قصد تیمور در کشتن شامیان طلب خون حضرت امام حسین صلوات الله علیه بود، منافات ندارد که باعث این طلب، شیخ شهید باشد و از تاریخ روم ظاهر می‌شود که امیر تیمور شیعه بوده است و از نصایح الملوکی که خود از جهت فرزندان خود نوشته است، تشییش ظاهر می‌شود و الله تعالی

یعلم.^۳

تحولات سیاسی و اجتماعی این دوران منحصر در این امور نبود. نزدیکی تصوف و تشیع یکی از با اهمیت‌ترین جلوه‌های اوج‌گیری تشیع در مناطق مختلف جهان اسلام در این مقطع محسوب می‌شود، به طوری که عقاید شیعی در میان نحله‌های مختلف صوفی

۱. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۵۷.

۲. مقصود، شهید اول «شمس الدین محمد بن مکی بن احمد عاملی نبطی جزینی» است.

۳. مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ج ۲، ص ۳۴۵.

نفوذ یافت و از آنجا که تصوف در میان اهل سنت رواج بیشتری داشت به طور طبیعی زمینه گسترش تشیع را فراهم نمود.^۱

در این مقطع علما و صوفیان از جایگاه اجتماعی بالایی در بین اقشار مختلف مردم به خصوص حاکمان برخوردارند^۲ و شواهد تاریخی مختلفی از تأثیر و نفوذ آن‌ها بر حاکمان و احترام سلاطین و نیز عموم مردم به ایشان موجود است:

شیخ شرف الدین طویل قزوینی... عالمی عامل بود. در رفع تمغاء مسنقات و باغات و حقوق مراعات قصبه قزوین و مقرری بعضی محترفه که فقرا و مساکین از آن منزوع بودند و در اجرای مهجات آب رودخانه‌ها که ضعفا از آن محروم می‌شدند سعی بلیغ نمود و پادشاه جهان ابوسعید بهادرخان خلد ملکه التماس او می‌بذول فرمود و اثر آن خیر بر روی روزگار باقی ماند. شیخ سعدالدین قنلق خواجه خالدی قزوینی نبیره شیخ نورالدین گیل بود. غازان خان و اکثر مغول بر دست او مسلمان شدند. عالمی عامل متبحر صاحب صفا بود. در محرم سنه ثمان و عشرين و سبعمائة به قزوین درگذشت. هشتاد و اند سال عمر داشت. شیخ صفی الدین اردبیلی در حیات است و مردی صاحب وقت و قبولی عظیم دارد و به برکت آن که مغول را با او ازادتی تمام است، بسیاری از آن قوم را از ایذا به مردم رسانیدن باز می‌دارد و این کاری عظیم است.^۳

بنابراین طبیعی است که اعمال و رفتار و ارشاداتی که توسط علما و نیز بزرگان صوفیه ترویج و تبلیغ می‌شود - مانند اقدام به زیارت مشاهد مشرفه توسط عبدالرحمن جامی^۴

۱. جعفریان، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۱۷.

۲. صفا، مقدمه‌ای بر تصوف، ص ۴۴.

۳. مستوفی قزوینی، تاریخ گزیده، ص ۶۷۵.

۴. جامی، الدرّة الفاخرة فی تحقیق مذهب الصوفیة، ص ۲.

(م ۸۹۸ق) و تألیف کتب ادعیه و زیارات در این باب و سفارش به خواندن آن‌ها توسط سید بن طاووس^۱ (م ۶۶۴ق) و یا بستن دستار کبود در ایام عاشورا توسط یکی از علمای هرات به نام غیاث الدین محمد سیلقلی حسینی و تبعیت عامه از او^۲ - در بین توده‌های مردم نفوذ یابد و خود را در سنت‌های عاشورایی مردمی - مانند آیینی شدن سبک پوشش گروه‌هایی از مردم تحت تأثیر حماسه عاشورا و زیارت مراقد ائمه اطهار علیهم‌السلام و امام حسین علیه‌السلام - نشان دهد.

از مطالبی که ذکر شد می‌توان نقش سنت‌های عاشورایی مردمی و رواج فرهنگ عاشورایی منتج از آن را در رشد و گسترش تشیع در این مقطع به طور ضمنی نتیجه گرفت و شواهدی بر آن یافت. از جمله این شواهد، آغاز رواج تشیع در ایران از اواخر قرن هفتم و شروع قرن هشتم هجری قمری، پس از سقوط خلافت عباسیان در نیمه این قرن^۳ متناسب با اقبال عموم به سنت‌های عاشورایی در همین قرون است. چنان که بنا به نوشته عبدالجلیل قزوینی رازی (زنده: ۵۶۱ق) صاحب کتاب *ارزشمند النقص*، مهم‌ترین مراکز تشیع پیش از حمله مغول عبارتند از: «قم، کاشان، آوه، ساری، ری، ورامین، ارم، اِستِراباد، سبزوار، دهستان، جربایقان، بخشی از دیار طبرستان، قسمتی از قزوین و نواحی آن، بخشی از دیار خرقان، حران، حلّه، بحرین، کوفه، بغداد و مشهدالرضا»^۴. گزارش جهانگرد معروف، ابن بطوطه (م ۷۷۹ق) از مراکز تشیع پس از حمله مغول نشانگر ادامه همین وضعیت است.^۵ اما می‌توان از گزارشی که حمدالله مستوفی (م ۷۵۰ق) از وضعیت

۱. ابن طاووس، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، ج ۳، ص ۵۶.

۲. شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ج ۱، ص ۵۳۳.

۳. جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ص ۶۹۱.

۴. قزوینی رازی، *بعض مثالب النواصب فی تقض بعض فضائل الروافض*، ص ۴۳.

۵. ابن بطوطه، *رحلة ابن بطوطه*، ج ۲، ص ۱۳.

شهرهای ایران به لحاظ مذهبی در قرن هشتم هجری قمری می‌دهد نتیجه گرفت حتی در بسیاری از نقاط که اکثریت با اهل سنت است، اقلیت شیعی نیز به وجود آمده است^۱ که نشانگر رشد و گسترش تشیع در این مناطق است.

شاید این سخن محقق حلی (م ۷۶۶ق) که به جمعیت فراوان شیعه امامیه در روزگار خودش اشاره کرده است این مدعا را مستحکم‌تر کند: «امامیان، مناطق را از عالم و فقیه و شاعر و ادیب و متکلم و پیروانی از هر گروه، پر کرده‌اند به اندازه‌ای که قابل شمارش نیستند»^۲.

شاهد دیگری که می‌توان ارائه کرد کلام عمادالدین طبری (زنده: ۷۰۱ق) در کتاب *تحفة الأبرار* است که خبر از گرویدن مردم به تشیع در زمانه خویش می‌دهد:

قوله تعالی: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ»^۳ و قوله: «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»^۴ دلالت می‌کند که شیعه بر حقند؛ زیرا که از جمله ملل باطله به اسلام می‌روند و از اسلام نقل می‌کنند به شیعه، فوج فوج در این مذهب می‌آیند. چنان که در ایام ما هزار در ملک طبرستان و عراق و نواحی دیگر شیعه شدند و از آنجا به هیچ مذهبی نقل نکردند. پس بدین دلیل معلوم شد که مذهبی که معتمد علیه و

۱. جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۷۷۴-۷۷۶.

۲. همان، ص ۶۹۳.

۳. محقق حلی، *المسلك في أصول الدين و الرسالة الماتعية*، ص ۲۲۶: «إِنَّ طَائِفَةَ الْأَمَامِيَّةِ مَالِئُونَ الْأَفَاقَ وَالْأَصْقَاعَ، فَقَهَاءٌ وَشِعْرَاءٌ وَادْبَاءٌ وَالتَّكَلِّمِينَ وَاشْيَاعَ مِنْ أَتْبَاعِ كُلِّ صَنَفٍ مَا لَا يَضْبَطُهُمْ عَدَدٌ لِبَشَرٍ وَلَا يَنْتَهِي بِهِمْ حَصْرٌ لِحَاصِرٍ».

۴. نصر/۱.

۵. نصر/۲.

موثوق به است، این مذهب است و باقی ضایع.^۱

این رشد و گسترش در زمان‌هایی که حکام وقت به تشیع می‌گرویدند یا متمایل به تشیع بودند نمود اجتماعی بیشتری پیدا می‌کرد، به طوری که «مورخان عصر نخست صفوی، به این حقیقت که مسیر شیعه شدن ایرانیان به طور گسترده و در حد سیاسی از زمان سلطان محمد خدابنده، ایلخان مغول بوده، واقف بوده‌اند و معمولاً در یاد از شاه اسماعیل صفوی و تلاش وی برای نشر تشیع از خدابنده هم یاد کرده‌اند».^۲

در نهایت، این رشد و گسترش مستدام تشیع، در بعضی از مناطق منجر به شکل‌گیری جنبش مردمی گسترده‌ای از تشیع غالی (یا به اصطلاح علوی) از شمال سوریه تا سرزمین‌های گسترده آناتولی و از آنجا تا شمال عراق و غرب ایران شد؛ به طوری که نقل شده در سال‌های اولیه قرن دهم هجری بیشتر از چهار پنجم مردمان ساکن در آناتولی، عقاید شیعی با گرایش صوفیانه داشتند.^۳ شاه اسماعیل صفوی (حک: ۹۰۷-۹۳۰ق) توانست با بهره‌گیری از این جنبش گسترده و تکیه کردن بر بیش از دویست سال نفوذ خاندانی و داشتن هواداران بی‌شمار در عثمانی و ایران^۴ در سال ۹۰۷ قمری دولتی را تأسیس کند. شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین نتیجه تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - که سنت‌های عاشورایی جزئی لاینفک از این تحولاتند - در طول این دو قرن و نیم (۹۰۷-۶۵۶ق)، قدرت گرفتن صفویان و تأسیس اولین دولت فراگیر شیعه در ایران باشد.^۵

۱. عمادالدین طبری، تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ص ۱۲۱.

۲. جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۶۹۴.

۳. جعفریان، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۱۷.

۴. همان.

۵. رک: کتاب مسائل عصر ایلخانان نوشته منوچهر مرتضوی و نیز کتاب زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه (۹۰۷-۶۵۶ق) نوشته محسن الویری.

نتیجه

شناسایی و تحلیل نقش سنت‌های عاشورایی مردمی در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی در محدوده جغرافیایی و فرهنگی - تمدنی ایران در مقطع حساس ۶۵۶ تا ۹۰۷ق (یعنی از سقوط بغداد و خلافت عباسیان توسط مغولان تا تأسیس دولت شیعی و فراگیر صفویه) به کمک چارچوب مفهومی آیین، اهمیت به‌سزایی دارد.

پویایی و اثرگذاری مستمر قیام عاشورای امام حسین علیه السلام و ارزش‌های نهفته در آن در طول تاریخ در جوامع مختلف اسلامی و به ویژه جامعه شیعی، اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند؛ زیرا آیین‌ها و سنت‌ها، بخش معتناهی از دین را به خود اختصاص می‌دهند و در واقع ابزاری برای شکل‌گیری نظام‌های فرهنگی و اجتماعی هستند و پژوهشگران تاریخ اجتماعی را در فهم آنچه که در جوامع مختلف شکل می‌گیرد، رشد پیدا می‌کند و یا ترویج و تبلیغ می‌شود، یاری می‌رسانند.

بنابراین از رواج و عمومیت یافتن سنت‌های عاشورایی نقل مناقب و فضائل اهل بیت علیهم السلام؛ شباهت‌بخشی و هم‌ذات‌پنداری میان اشخاص و رویدادهای روزمره با رویدادهای واقعه عاشورا؛ آیینی شدن سبک پوشش گروه‌هایی از مردم تحت تأثیر حماسه عاشورا و زیارت مرقد ائمه اطهار علیهم السلام در میان توده‌های مردم - با توجه به اکثریت عددی آن‌ها نسبت به نخبگان - می‌توان شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی خاص این مقطع (۶۵۶-۹۰۷ق) را نتیجه گرفت و از تناسب و هم‌زمانی آن با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره یعنی گسترش فعالیت سیاسی و اجتماعی شیعیان پس از حمله مغولان؛ میل و گرایش بعضی از حاکمان به تشیع و نزدیکی تصوف و تشیع، سرعت گرفتن رشد و گسترش تشیع در ایران را به طور ضمنی نتیجه‌گیری نمود. در نهایت این رشد و گسترش تشیع در طی دو قرن و نیم پس از سقوط بغداد و خلافت عباسی توسط مغولان، خود را در تأسیس دولت شیعی صفویه نشان داد؛ امری که به دست شاه اسماعیل، پس از سال‌ها تلاش خاندان صفوی برای کسب قدرت و رسمیت دادن به مذهب تشیع در ایران در سال

۹۰۷ قمری به منصفه ظهور رسید و موجب به وجود آمدن فصل جدیدی در تاریخ و فرهنگ شیعیان و سبک زیست اجتماعی آنها شد که تأثیرات آن تا به امروز باقی است.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (د. ۷۷۹ق)، *رحلة ابن بطوطه تحفة النظار فى غرائب الأمصار و عجائب الأسفار*، تحقیق عبدالهادی تازی، اول، رباط: اکادیمیة المملكة المغربية، ۱۴۱۷ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (د. ۶۶۴ق)، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۳. _____، *الأمان من أخطار الأسفار و الزمان*، تحقیق مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، اول، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹.
۴. _____، *اللهموف على قتلى الطفوف*، ترجمه احمد فهري زنجاني، اول، تهران: جهان، ۱۳۴۸.
۵. _____، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، اول، قم: بوستان كتاب، ۱۴۰۶.
۶. ابن قولويه، جعفر بن محمد (د. ۳۶۷ق)، *كامل الزيارات*، تصحيح: عبدالحسين امينى، اول، نجف: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ق.
۷. الويرى، محسن و رحيمى ثابت، محمدعلى، «راز ماندگارى عاشورا تحليل ارتباطى سيره معصومان علیهم السلام»، فصلنامه تاريخ اسلام، بهار و تابستان ۱۳۸۹، سال يازدهم، شماره ۴۱ و ۴۲.
۸. الويرى، محسن، *زندگى فرهنگى و اندیشه سياسى شيعيان از سقوط بغداد تا ظهور صفويه (۶۵۶-۹۰۷ق)*، اول، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴.
۹. انورفياضى، محمد، «تاريخ اجتماعى شيعيان ايران و عراق در نيمه دوم قرن هشتم هجرى»، تاريخ در آيينه پژوهش، پاییز ۱۳۸۷، سال هفتم، شماره ۱۹.
۱۰. جامى، عبدالرحمن (د. ۸۹۸ق)، *الدرة الفاخرة فى تحقيق مذهب الصوفية*، تحقيق نيكولا هير و على موسى بهباني، اول، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامى، ۱۳۵۸.
۱۱. جعفریان، رسول، *تاريخ تشيع در ايران*، اول، تهران: نشر علم، ۱۳۸۷.
۱۲. _____، *حيات فکرى و سياسى امامان شيعه*، ششم، قم: انصاريان، ۱۳۸۷.

۱۳. _____ صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، اول، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۱۴. حسین پور، سیدعلی، «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری»، تاریخ در آئینه پژوهش، زمستان ۱۳۸۶، سال ششم، شماره ۱۶.
۱۵. حسینی تربتی، ابوطالب (د. قرن ۱۱ق)، تزویرات تیموری، اول، تهران: کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۲.
۱۶. حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (د. ۱۳۱۶ق)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۱۷. حسینی گنابادی، قاسمی (د. ۹۸۲ق)، شاه اسماعیل نامه، تصحیح جعفر شجاع کیهانی، اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷.
۱۸. خنجی، فضل الله بن روزبهان (د. ۹۲۷ق)، تاریخ عالم آرای امینی، تصحیح محمداکبر عشیق، اول، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۲.
۱۹. دهخدا، علی اکبر (د. ۱۳۳۴)، لغتنامه، دوم، تهران: سازمان برنامه بودجه / دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۲۰. رباط جزئی، مجید، «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در نیمه اول قرن هشتم هجری»، تاریخ در آئینه پژوهش، تابستان ۱۳۸۶، سال ششم، شماره ۱۴.
۲۱. رحمانی، جبار، مطالعات جامعه‌شناسی و انسان‌شناختی مناسک عزاداری محرم، اول، تهران: خیمه، ۱۳۹۲.
۲۲. سرامی، قدمعلی، از رنگ گل تا رنج خار، اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۲۳. سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق (د. م ۸۸۷ق)، مطلع سعدین و مجمع بحرین، تحقیق عبدالحسین نوایی، دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۲۴. شبانکاره‌ای، محمد بن علی (د. قرن ۸ق)، مجمع‌الأنساب، تحقیق میرهاشم محدث، اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۲۵. شوشتری، سیدنورالله بن شریف الدین (د. ۱۰۱۹ق)، مجالس المؤمنین، چهارم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.

۲۶. شهید اول، محمد بن مکی (د. ۷۸۶ق)، المزار فی کیفیت زیارات النبی و الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق محمدباقر موحد ابطحی، اول، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۱۰.
۲۷. صفا، ذبیح الله (د. ۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات در ایران، دوازدهم، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۸.
۲۸. _____، مقدمه‌ای بر تصوف، چهارم، تهران: انتشارات سیمرخ وابسته به انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۵.
۲۹. عمادالدین طبری، حسن بن علی (زنده: ۷۰۱ق)، تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق سیدمهدی جهرمی، اول، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۶.
۳۰. فروغی ابری، اصغر، ایرانیان و عزاداری عاشورا (مراسم سوگواری در گذر تاریخ)، سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.
۳۱. فضل الله همدانی، خواجه رشیدالدین (د. ۷۱۸ق)، تاریخ مبارک غازی، تحقیق کارل یان، اول، هرتفرد: استفن اوستین، ۱۳۵۸ق.
۳۲. قزوینی رازی، نصیرالدین عبدالجلیل (زنده: ۵۶۱ق)، بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تحقیق محدث اورموی، اول، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
۳۳. کفعمی عاملی، ابراهیم بن علی (د. ۹۰۵ق)، مصباح الکفعمی أو جنة الأمان الواقیة و جنة الإیمان الباقیة، دوم، قم: دار الرضی، ۱۴۰۵.
۳۴. گنجی، حمزه و گنجی، مهدی، نظریه‌های شخصیت، اول، تهران: ساوالان، ۱۳۹۱.
۳۵. گیویان، عبدالله، «بین آیینی‌سازی و فرهنگ عامه‌پسند دینی (تأملی در برخی بازنمایی‌های بصری دینی و شبیه‌های جدید مداحی)»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار و تابستان ۱۳۸۵، سال سوم، شماره ۵.
۳۶. مجلسی، محمدتقی (د. ۱۰۷۰ق)، لوامع صاحبقرانی، دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۳.
۳۷. محقق حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن (د. ۶۷۶ق)، المسلك فی أصول الدین و الرسالة الماتعیة، تحقیق رضا استادی، اول، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۴ق.
۳۸. محلاتی، امینه، تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی جُنگ عبدالکریم مداح، اول، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

۳۹. مرتضوی، منوچهر (د. ۱۳۸۹)، *مسائل عصر ایلیخانان*، اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۵.
۴۰. مستوفی بافقی، محمد مفید (د. ۱۰۹۱ق)، *جامع مفیدی*، تحقیق ایرج افشار، اول، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.
۴۱. مستوفی قزوینی، حمدلله (د. ۷۵۰ق)، *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، سوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۴۲. نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (د. ۳۴۸ق)، *تاریخ بخارا*، تصحیح مدرس رضوی، دوم، تهران: توس، ۱۳۶۳.
۴۳. نطنزی، معین الدین (د. ۸۱۷ق)، *منتخب التواریخ معینی*، تحقیق پروین استخری، اول، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.